

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RSضربه اروپا به حقوق بین‌الملل

الداز مامدوف: معاون وزیر خارجه روسیه در حمله‌ای تند به اقدام دبیرخانه سازمان ملل متحد و قدرت‌های غربی در تلاش برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران این اقدام را «حمله مخرب به شورای امنیت سازمان ملل متحد» توصیف کرد.
فارغ از لحن سرگتی ریابکوف، پیام اصلی سخن او این است که تحریم‌های جاری شورای امنیت پیش از توافق ۲۰۱۵ ایران و ۵+۱ که کشورهای اروپایی از طریق اسنپک تلاش کردند آنها را بازگردانند، اکنون «ملغی» شده است.
ریابکوف تاکید کرد که روسیه همکاری‌های فنی و نظامی خود را با تهران تعمیق خواهد کرد.
این مسئله فراتر از یک اختلاف‌نظر دیپلماتیک است و نشان‌دهنده یک شکاف جدی در واقعیت بین‌الملل تلقی می‌شود.
امروز ابرقدرت‌های جهانی در چارچوب دو تفسیر غیرقابل جمع از حقوق بین‌الملل رفتار می‌کنند. از یک سو، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان معتقدند که تحریم‌های شورای امنیت با فعال‌سازی مکانیسم اسنپک علیه ایران فعال شده‌است و از سوی دیگر ایران، روسیه و چین این اقدام را به عنوان یک رویه نامشروع قبول نمی‌کنند.
این اختلاف نظر ناگزیر نبود و آنچه باعث شد شرایط به اینجا ختم شود، نشان‌دهنده سطح ناسازگاری میان طرف‌ها است.
قدرت‌های غربی مستمراً از تقدس «نظم مبتنی بر قانون بین‌المللی» دم می‌زنند، اما در این مورد اقدامی کرده‌اند که به صورت بنیادین «نظم مبتنی بر قانون» را به هم می‌زند.
آنها با فشار وارد کردن بر فرآیندی که بخش قابل توجهی از شورای امنیت آن را نامشروع می‌دانند، باعث شدند که جهان وارد فضایی جدید و خطرناک‌تر از گذشته شود.
بحران کنونی بر سر ایران ناشی از جایگزینی چارچوب تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل با سیستمی است که منافع سیاسی بلوک‌های قدرت، واقعیت‌های حقوقی را تعیین می‌کنند.
غرب با رد مصالحه با ایران، زمینه این گسست را فراهم کرد.
درحالی‌که ایران از نظر فنی برجام را نقض می‌کرد، فرصتی برای جلوگیری از بحران وجود داشت، اما با رد پیشنهاد روسیه و چین برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱، این فرصت از بین رفت.
اروپا، با انگیزه حمایت ایران از روسیه در جنگ اوکراین و عدم تمایل به به‌خطر انداختن روابط با آمریکا، بر فعال‌سازی مکانیسم ماشه پافشاری کرد.
نتیجه این اقدام، نه‌تنها ایجاد شرایط برای متوقف شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران بود، بلکه اجماع بین‌المللی در مورد این برنامه را نیز از بین برد.

اکنون، وحدت و فشار سابق، جای خود را به گسست داده و دو عضو دائم شورای امنیت (روسیه و چین) رسماً اعلام کرده‌اند که مکانیسم ماشه را به رسمیت نمی‌شناسند.
تحریم‌های قدیمی سازمان ملل، به جز در زمینه محدودیت‌های تسلیحاتی و فناوری‌های هسته‌ای و موشکی، تاثیر چندانی ندارند.
اظهارات ریابکوف، نشان‌دهنده عدم پایبندی روسیه به این محدودیت‌هاست.
اگر چه روابط ایران و روسیه با بی‌اعتمادی همراه است، اما اقدام اروپا در فعال‌سازی مکانیسم ماشه، اهرم فشار بر روابط این دو کشور را از دست داده و ایران را ناگزیر به سمت روسیه سوق می‌دهد.
اکنون ایران می‌تواند به طور بالقوه تسلیحات مورد نیاز خود را از روسیه و چین تهیه کند.
خطرناک‌ترین پیامد این بحران، ایجاد سابقه‌ای برای منع اشاعه هسته‌ای و حقوق بین‌الملل است.
هنگامی که اجماع در شورای امنیت از بین می‌رود، قطعنامه‌های آن صرفاً پیشنهادات غیرالزام‌آور تلقی می‌شوند.
اکنون جهان در قلمرویی ناشناخته قرار دارد.
آمریکا و اتحادیه اروپا ممکن است به دنبال استفاده از قطعنامه‌های پیش از ۲۰۱۵ برای اعمال تحریم‌های جدید باشند، در حالی‌که روسیه و چین با تفسیر خود از قانونیت جدید، به همکاری‌های عمیق‌تر با ایران ادامه خواهند داد.
هدف اصلی برجام، یعنی ایجادیک جبهه‌بین‌المللی متحدبرای تضمین ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران، از بین رفته و جای خود را به رویارویی با پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی داده است.
هدف از فعال‌سازی مکانیسم ماشه، فشار بر ایران بود، اما نتیجه آن، شکاف در چارچوب حقوق بین‌الملل بوده است.
شورای امنیت دیگر یک نهاد واحد نیست و به نظر نمی‌رسد راهکاری برای بازگرداندن آن به وضعیت سابق وجود داشته باشد.

دیپلماسی

نگاه دیپلمات



کوروش احمدی

دیپلمات بازنشسته

طی ده سال گذشته بسیار در مورد برجام سخن گفته‌است اما در پرتو اظهارات نادرست و اتهامات ناروا لازم به یادآوری است که برجام حاصل اجماع کم‌سابقه‌ای در کل نظام بود. روند برجام قبل از دولت روحانی شروع شد و روحانی وظریف نقشی در تعیین اصل مبنایی آن، یعنی محدودیت غنی‌سازی

برجام و بعد از برجام

در ازای رفع تحریم‌های هسته‌ای، نداشتند. اصل بازگشت‌پذیری نیز که بر اساس آن امکان برگشت همه طرف‌ها به وضعیت قبل از برجام فراهم شد، در ایران و در تصمیمی که در جلسه‌ای عالی در اردیبهشت ۱۳۹۳ گرفته شد، شکل گرفت. برپایه این اصل بعد از خروج ترامپ از برجام، ایران به سرعت از تعهدات پر جامی خود عدول کرد و از نظر غنی‌سازی به موقعیتی بسیار بهتر (در حد ۱۰ برابر) نسبت به قبل از برجام برگشت. طرف مقابل نیز در همین چارچوب مکانیسم مشهور به ماشه را در قطعنامه ۲۲۳۱ گنجاند. نکته مهم دیگر در مورد برجام این است که برجام قابل نجات بود. ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری اش با تردید بسیار و مخالفت اعضای دولتش و برخی سناتورها مواجه بود و با تاخیر



عکس: Getty Images

همچنان برجام

چرا توافق هسته‌ای ۱۳۹۴ و قطعنامه ۲۲۳۱

هنوز هم در کانون راهبرد سیاست خارجی تهران قرار دارد؟



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

برجام امروز دیگر مرده است و اثری از آن وجود ندارد. قطعنامه ۲۲۳۱ به اعتقاد جمهوری اسلامی ایران، چین و روسیه در تاریخ ۲۶ مهر منقضی شد و به اعتقاد سه قدرت اروپایی و آمریکا در تاریخ ۶ مهر با بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد، اعتبارش را از دست داد اما با وجود مرگ برجام، این توافقی به عنوان یک دستاورد بی‌سابقه همچنان مایه بحث داخلی و خارجی و همچنین مبنای حقوقی اقدام‌های ایران، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان است. برجام یک توافق کامل و بی‌نقص نبود، اما توافقی بود که امروز بسیاری در ایران و اروپا رویای رسیدن مجدد به آن را دارند و مفادی داشت که بخش زیادی از مطالبات سیاست خارجی ایران را نامین می‌کرد. از سال ۱۳۸۲ تاکنون که پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در کانون مباحث بین‌المللی قرار گرفته‌است، صرفاً یک دوره سه سال بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ که تعهدات این توافق کم و بیش توسط همه طرف‌ها اجرا می‌شد، خواسته‌های ایران از جمله پذیرش حق غنی‌سازی و لغو تحریم‌ها عملی شده‌است. در هیچ دوره دیگری در ۲۰ سال گذشته به جز دوره سه‌ساله اجرای برجام، این مطالبات بنیادی ایران اجرایی نشده‌است.

۱۰ سال پس از انعقاد برجام میان ایران و گروه ۵+۱ این توافق همچنان در کانون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و طرف‌های خارجی قرار دارد. تاپیش از شهریور امسال که ۳ قدرت اروپایی طرف برجام اقدام به فعال‌سازی مکانیسم ماشه بکنند و عملاً آخرین میخ را در تابوت برجام بکوبند، همه طرف‌ها همچنان کم و بیش خواستار بازگشت ایران به تعهدات برجام بودند. برجام که پس از سال ۲۰۱۸، کمتر از ۳ سال پس از انعقادش با خروج ایالات متحده آمریکا در کما رفته‌بود، در تاریخ ۲۶مهر امسال پس از ۱۰ سال عاقبت به تاریخ پیوست و مرگ رسمی آن اعلام شد. اما حتی مرگ برجام هم بر اساس مفاد این توافق بود. ایران، روسیه و چین و کشورهای اروپایی در تقابل دیپلماتیک بر سر برنامه هسته‌ای ایران همچنان پس از ۱۰ سال به مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ که مؤید برجام در شورای امنیت بوداستنادمی‌کنند.

به نظر می‌رسد نه‌تنها ۶ کشور باقی‌مانده در برجام (ایران، روسیه، چین، آلمان، بریتانیا و فرانسه) در تمام اقدام‌های اخیر خود، برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ را به عنوان مستند حقوقی اقدام‌ها قرار دادند، بلکه این کشورها همچنان اعتقاد دارند که توافقی بهتر از برجام برای حل و فصل اختلاف‌های هسته‌ای با ایران ممکن نیست. علاوه بر این، بخشی از ادبیات سیاسی و دعوای جناحی و دیپلماتیک هم همچنان در چارچوب برجام اتفاق می‌افتد. از جمله دعوای لفظی اخیر میان سرگنی لاوروف، وزیر خارجه روسیه و محمدجواد ظریف، وزیر پیشین امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در همین چارچوب بود. لاوروف در سخنانی با تعدادی از خبرنگاران عربی ظریف را به «خلق» مکانیسم اسنپک متهم کرده‌بود و عامل قرار گرفتن این مکانیسم در برجام را که باعث «تعجب» روسیه شده‌بود، ظریف معرفی کرد. در برابر هم محمدجواد ظریف با مرور خاطراتی از مذاکرات برجام، تاکید کرد که مکانیسمی که امروز با عنوان اسنپک شناخته می‌شود، بسیار بهتر از پیشنهادی بود که سرگنی لاوروف، به عنوان رئیس تیم مذاکره کننده روسیه برای تعیین تکلیف قطعنامه‌های شورای امنیت ارائه‌داده‌بود.

روند وقایع در ۱۰ سال گذشته نشان می‌دهد که اغلب طرف‌های برجام به جز دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به مفاد این توافق اعتقاد راسخ داشتند و تلاش می‌کردند تا این توافق و اجرای تعهدات آن را احیا کنند. حتی در ایران نیز که مخالفان برجام صدای بسیار بلندی دارند و در بسیاری از نهادهای مهم کشور نفوذ قابل توجهی دارند، یکی از دستورکارهای وزارت امور خارجه در سال‌های پس از خروج آمریکا از برجام، احیای این توافق و بازگشت همه طرف‌ها به اجرای تعهدات آن بود. چه آنکه در سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ زمانی که دولت سیزدهم بر مسند حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران قرار داشت و علی‌باقری کنی، یکی از اصلی‌ترین مخالفان برجام، تاپیش از بازگشت به قدرت، مسئول مذاکرات هسته‌ای بود، دو بار جمهوری اسلامی ایران تا مرز احیای برجام پیش رفت. این مسئله نشان می‌دهد حتی در دولت‌هایی که خود را مخالف رویکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم و مخالف برجام نشان می‌دادند، برجام به عنوان یک دستاورد قابل توجه و مطلوب تلقی می‌شد که ارزش بازگشت به تعهدات و اجرای آن برای کشور بیشتر از مرگ آن بود.

▼ اولویت‌های سیاست خارجی

پرونده هسته‌ای در دو دهه گذشته یکی از اصلی‌ترین

۱۸ ماهه از برجام خارج شد. او هیچ‌گاه در آن دوره از توقف غنی‌سازی در ایران سخن نگفت و بر «اصلاح برجام» تاکید داشت که امکان توافق در مورد آن وجود داشت. با توجه به دیگر تجارب آن دوره، ترامپ عمدتاً قصد بسته‌بندی مجدد برجام و تغییر نام آن و فروش آن را به پایگاه داخلی اش داشت و برای این منظور اصرار زیادی در آن دوره برای مذاکره کرد و بسیاری را برای این منظور واسطه کرد. ایران در آن دوران می‌توانست با اومذاکره کند و از خواست واقعی اش مطلع شود و بعد تصمیم بگیرد که چه کند. در دوره چهارساله بایدن نیز فرصت طلانی دیگری برای احیای برجام شکل گرفت که انتصاب رابرت مالی به عنوان نماینده آمریکا در امور ایران که مورد نفرت لابی اسرائیل بود، یکی از نشانه‌های آن بود. به‌رغم اینکه در ابتدای دولت بایدن طی سه ماه توافق کارشناسی برای بازگشت به برجام نهایی شد، اما دولت سیزدهم اراده‌ای برای احیای برجام نداشت و جنگ اوکراین نیز مزید بر علت شد و در نهایت مانع اصلی بود. اما برجام هر چه بود و هر چه شد، امری است که اکنون مربوط به گذشته

دستورکارهای دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده‌است که شاید در طول این سال‌ها به عنوان مهم‌ترین مسئله ملی، چاره جویی برای حل و فصل آن یکی از مهم‌ترین وظایف وزارت امور خارجه تلقی می‌شد. پرونده هسته‌ای، ایران چند اولویت داشت:

۱- بی‌اثر کردن یا لغو تحریم‌ها

۲- پذیرش رسمی حق ایران برای صنعت بومی غنی‌سازی اورانیوم

۳- خارج شدن پرونده ایران از دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد

۴- عادی شدن پرونده ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
برجام توافقی بود که توانست همه این اولویت‌ها را کم و بیش به صورت موقت یا دائمی عملی کند. در مورد اول، کانون اصلی معامله برجام بی‌اثر کردن و مرتفع کردن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های ثانویه آمریکا بود. هر چند از سال ۲۰۱۸ که دونالد ترامپ تصمیم به خروج از برجام گرفت، تحریم‌های ثانویه ایالات متحده آمریکا مجدداً اعمال شد، اما بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ که همه طرف‌های برجام کم و بیش در حال اجرای تعهدات خود بودند، این تحریم‌ها کاملاً مرتفع شده‌بود. بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۴ نیز که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد جریان داشت، تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران کاملاً ملغی بودند. در شرایط فعلی اختلاف‌نظر و شکاف اساسی میان ۵ عضو دائمی شورای امنیت در خصوص وضعیت این تحریم‌ها ایجاد شده‌است. در حالی‌که آلمان، بریتانیا و فرانسه معتقدند که با فعال‌سازی مکانیسم اسنپک این تحریم‌ها و ۶ قطعنامه شورای امنیت مجدداً اعمال شده‌اند، ایران، روسیه و چین تاکید دارند که قطعنامه ۲۲۳۱ بر اساس بند ۸ آن در تاریخ ۲۶ مهر برای همیشه منقضی شده‌است و ۶ قطعنامه تحریمی سازمان ملل متحد برای همیشه از بین رفته‌اند و موضوع عدم اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از دستورکار شورای امنیت سازمان ملل متحد خارج شده‌است.

پذیرش رسمی حق ایران برای صنعت بومی غنی‌سازی نیز از کانون‌های اصلی معامله برجام بود. ایران مادامی که دولت آمریکا رسماً حاضر نشد این حق را بپذیرد، وارد مذاکراتی که منجر به برجام شد، نشده‌بود. در برجام هر چند حق ایران برای غنی‌سازی اورانیوم به صورت رسمی پذیرفته‌شده‌بود و در چارچوب قطعنامه ۲۲۳۱ به یک سند رسمی بین‌المللی راه یافته‌بود، اما محدودیت‌هایی برای سطح غنی‌سازی و میزان ذخایر اورانیوم غنی‌شده در خاک ایران در نظر گرفته‌شده‌بود.

خارج شدن پرونده هسته‌ای ایران از دستور کار شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز موضوعی بود که با بند زمانی در برجام پیش‌بینی شده‌بود. تعلیق ۱۰ ساله این موضوع و خروج کامل آن از دستورکار که ۲۶ مهر ۱۴۰۴ از مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ بود. امروز ایران، روسیه و چین در چارچوب مفاد برجام معتقدند که این اتفاق رخ داده‌است و پرونده عدم اشاعه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از دستور کار شورا خارج شده‌است.

نهایتاً موضوع عادی شدن پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که قرار بود با استمرار همکاری ایران و آژانس و اجرای تعهدات پر جامی در سال هشتم برجام (۱۴۰۲) اتفاق بیفتد، به دلیل خروج آمریکا از برجام و اقدام‌های متقابل ایران بر اساس بند ۳۶ برجام محقق نشد. پیش‌بینی برجام این بود که در سال هشتم اجرای این توافق، مدیرکل آژانس بعد از اعلام پایبندی ایران به اجرای برجام مطابق گزارش‌های فصلی، اعلام کند که پرونده ایران حالت سفید پیدا کرده‌است و از دستور کار شورای حکام خارج می‌شود. در همان سال قرار بود که ایران با تصویب نهایی پروتکل‌های الحاقی، عملاً اجرای پروتکل‌ها را از حالت داوطلبانه خارج کند و در عین حال حق خود را برای خروج یکجانه از پیمان عدم اشاعه (NPT) سلب کند. برجام در رسیدن به سه هدف از چهار هدف ذکرشده در بالا توفیق زیادی داشت. هر چند در شرایط فعلی بعد از گذشت ۱۰ سال از توافق برجام، به نظر می‌رسد که ایران و غرب به نقطه قبلی بازگشته‌اند. اما مادامی که برجام زنده بود، اهداف اصلی ایران در پرونده هسته‌ای محقق شده‌بود. به نظر می‌رسد امروز نیز دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رویای رسیدن به توافقی مشابه برجام در سر داشته‌باشد که بر اساس همان کانون معامله اصلی یعنی نظارت شدید آژانس در برابر لغو تحریم و پذیرش حق غنی‌سازی در مقابل حق بازگشتن یکجای تحریم‌ها حفظ شود. با این حال بر خلاف ۲۰۱۴ عزرم و اراده‌ای در طر ف‌های غربی دیده نمی‌شود که بار دیگر آمادگی داشته‌باشند که حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت بشناسند.